

# انقلاب کوبا

ارل رایس

ترجمه مهدی حقیقت خواه



ISBN: 978-964-111-284-2

## فهرست

- رویدادهای مهم در انقلاب کوبا..... ۶
- پیشگفتار: زاده شده که تاریخ را تغییر دهد..... ۹
۱. مونکادا: پیدایش جنبش بیست و ششم ژوئیه..... ۱۵
۲. کوبای پیش از انقلاب: طلب دیربای آزادی..... ۳۱
۳. کاسترو: مرد سرنوشت..... ۴۹
۴. ام - ۲۶ در مکزیک: آماده‌سازی..... ۶۵
۵. سیئرا مائسترا: نبرد..... ۷۵
۶. شورشیان در هاوانا: انقلاب..... ۹۵
۷. بحران‌های دریای کارائیب: خوک‌ها، موشک‌ها،  
و «جنگ‌های کوچک»..... ۱۱۳
۸. کوبای امروز: رؤیاهای رنگ‌باخته..... ۱۲۵
- یادداشت‌ها..... ۱۳۱
- واژه‌نامه..... ۱۳۶
- برای مطالعهٔ بیشتر..... ۱۳۸
- آثار مرجع..... ۱۴۰
- نمایه..... ۱۴۲

### زاده شده که تاریخ را تغییر دهد

فیدل کاسترو همواره مشتاق بوده است که بگوید زاده شده که تاریخ را تغییر دهد. او این نظر را در باره خودش همانند موضوعی بدیهی تکرار کرده است.

در جریان یک مصاحبه ضبط شده گفت: «از آن جا که از یک خانواده سیاستمدار برنخاستم یا در جوّی سیاسی رشد نکردم، اگر رسالت خاصی نمی‌داشتم، غیرممکن بود که... در مدت زمانی نسبتاً کوتاه بتوانم نقشی انقلابی را عهده‌دار شوم.»<sup>۱</sup> چه به یاری سرنوشت و چه از روی شانس، او به گفته خود عمل کرده است. کم‌تر کسی توانسته است بیش از او تاریخ را تغییر دهد.

انقلاب کوبا، که از اوایل دهه ۱۹۵۰ آغاز شد، سیما و سرشت کوبا را برای همیشه تغییر داد. فیدل کاسترو، بیش از هر کس دیگری، شور زندگی و نیروی کارساز برای تغییر ایجاد کرد. این سرگذشت آن انقلاب است. اما سرگذشت فیدل کاسترو نیز است، چرا که جدا کردن این دو ناممکن است.

### «رهبر اعلا»ی کوبا

فیدل از سال ۱۹۵۹ تاکنون را با عنوان «رهبر اعلا» (*lider maximo*)ی کوبا سپری کرده است. تغییراتی که از ۱۹۵۹ در آن جا صورت گرفته عمدتاً به اراده و در زیر رهبری او انجام شده است. و از این روست که باید هم سرافرازی و هم سرکوفت وضعیت کنونی کوبا را متوجه او دانست.

اما در باره دیگر نیروهای مؤثر چه در داخل و چه در خارج کوبا چه باید گفت؟ چه چیز در این کشور جزیره‌ای کوچک به آتش ناآرامی دامن زد و شعله‌های شورش را در پهنه آن بر افروخت؟ انقلاب در بهترین حالت بازی دشوار و مرگباری است. اندکند کسانی که در این بازی برنده می‌شوند. پس دقیقاً چه عناصری از بخت، زمان و مکان گرد هم آمدند تا به فیدل و پیروانش امکان پیروزی بخشند؟

پیش از چهل سال از زمان آغاز انقلاب کوبا گذشته است و با این حال تاریخدانان، پژوهشگران، تحلیلگران سیاسی، رهبران و سیاست‌سازان جهان، و اندیشمندان جدی هنوز در مورد علل آن بحث و مجادله می‌کنند. اما اکثر کارشناسان در مورد دست‌کم سه عامل عمده که در این آخرین دوره نآرامی در کوبا موجود بود اتفاق نظر دارند: (۱) سرکوب سیاسی، (۲) عدم تعادل و رکود اقتصادی، و (۳) خطری که عده‌ای از کوبایی‌ها از جانب «امپریالیسم یانکی» احساس می‌کردند، که نتیجه



فیدل کاسترو از پی کودتای ۱۹۵۹ برای انبوه مردم سخنرانی می‌کند. کاسترو الهام‌بخش انقلاب کوبا، هم به عنوان پدیدآورنده و هم مجری آن، بود.



فولخنثیو باتیستا (وسط)، پیش از آن که حکومت کوبا را قبضه کند و رئیس‌جمهور شود، ژنرال ارتش بود. در دوره زمامداری او، حکومت کوبا از دموکراسی به دیکتاتوری نظامی تبدیل شد.

سیاست‌های ناعادلانه ایالات متحده در مورد کوبا از سال ۱۸۹۸ به این سو بود. درست پیش از انقلاب کوبا، بسیاری عوامل دیگر بر میزان نارضایتی در کوبا افزود، که برخی از مهم‌ترین آن‌ها، به همراه سه عامل اصلی، در صفحات آینده مورد بررسی قرار می‌گیرند. هر چند عوامل برای انقلاب زمینه فراهم می‌کنند، خود شورش به پا نمی‌کنند بلکه این مردمند که به پا می‌خیزند. بنابراین، باید حکومتی وجود داشته باشد که علیه آن شورش شود. و این معمولاً حکومتی است که مردم آن را سرکوبگر، ناعادلانه، نالایق، یا فاسد

می‌دانند. زمانی که فیدل و شورشیان جوانش راه انقلاب را در پیش گرفتند، به نظر می‌رسید که حکومت بر مسند قدرت واجد همه موارد اتهامی است. ریاست این حکومت را رئیس‌جمهور خودخوانده‌ای بر عهده داشت که از مرتبه نازل گروهبانی ارتش برآمده و به «مرد قدرتمند کوبا» تبدیل شده بود.

سه هفته پیش از انتخابات ریاست جمهوری کوبا در سال ۱۹۵۲، ژنرال فولخنثیو باتیستا ثالدیوار - رئیس‌جمهور سابق که بار دیگر برای این مقام نامزد شده بود - در رقابتی سه نفره در رده سوم قرار داشت. دکتر روبرتو آگرامونت از حزب اُرتدوکسوس در همه حوزه‌ها جلو بود و از پی او دکتر آتورلیو اویا از حزب آئوتنتیکو جای داشت. در این زمان، باتیستا تصمیم گرفت شکست سیاسی محتمل خود را به پیروزی‌ای ناگهانی و خیره‌کننده تبدیل کند. او بی‌پرده‌پوشی با نیروی اسلحه زمام حکومت را به دست گرفت.

### باتیستا زمام امور را به دست می‌گیرد

در سحرگاه دهم مارس ۱۹۵۲، باتیستا و تعدادی افسران همراهش وارد پادگان کلمبیا در هاوانا - بزرگ‌ترین قرارگاه ارتش کوبا - شدند و مهار ارتش کوبا را به دست گرفتند. باتیستا، با پشتیبانی ارتش، در زمان کوتاه ۷۷ دقیقه کارلوس پریو سوکاراس را از ریاست جمهوری ساقط کرد. در این کودتای تقریباً بدون خونریزی تنها دو نفر کشته شدند و به نظر می‌رسید که ملت بی‌تفاوت نه توجهی دارد و نه اهمیتی می‌دهد. تا آن‌جا که به شهروندان کوبا مربوط می‌شد، این هم ماجرابی بود مثل همیشه.

تا اواخر بعدازظهر آن روز، باتیستا، این گروهبان سابق ارتش، با استواری بر مسند قدرت جا گرفته بود. پریو چند ساعت بعد از کشور گریخت و مهار و سرنوشت کوبا را به دست آژمند آخرین فرد از سلسله دیرینه رهبران مشت آهنین وا گذاشت.

تا پیش از کودتای باتیستا، حکومت کوبا هنوز به شکل دموکراتیک عمل می‌کرد. اما مقامات حکومتی از بالا تا پایین به رشوه‌خواری و فساد آلوده بودند. با این حال، کوبایی‌ها امیدوار بودند که با انتخاب رهبری شایسته شاید بتوان حکومت دموکراتیک را حفظ کرد. اما ضربه ناگهانی باتیستا در را به روی امید اکثر آن‌ها محکم بست.

### درگاه انقلاب

اما فیدل کاسترو بسیار فراتر از رویداد دهم مارس می‌نگریست و بارقه امید در دلش زنده